

## عادل شمرده شده فقط بوسیله‌ی ایمان

درس ۹: پولس در مقابل یعقوب؟

دکتر آر. سی. اسپرول

در زمان اصلاحات پروتستان، معلومه که جامعه کاتولیک رومی از مقاومت دست نکشید و در مقابل لوتر و اصلاح‌گرایان، نقش شکست خورده رو بازی نکرد. اونها با این اعلامیه که عادل شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه بدون اشاره به اعمال، واکنش نشون دادند و منبعشون رو برای این کار، در خود کتاب مقدس پیدا کردند، اساساً در نامه‌ای از یعقوب رسول.

من فقط یک دقیقه رو به خوندن این بخش از باب ۲ یعقوب اختصاص میدم، بخشی که بیش از یک بار، بعداً در شورای ترنت در جلسه‌ی ششم ترنت، در پاسخ کاتولیک روم به پروتستان‌ها بازگو شد. در آیه‌ی ۲۱ از باب ۲ این کلمات رو می‌خونیم: "آیا پدر ما ابراهیم به اعمال، عادل شمرده نشد وقتی که پسر خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟ می‌بینی که ایمان با اعمال او عمل کرد و ایمان از اعمال، کامل گردید. و آن نوشته تمام گشت که می‌گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت محسوب گردید»، و دوست خدا نامیده شد. پس می‌بینید که انسان از اعمال عادل شمرده می‌شود، نه از ایمان تنها."

و بعد در آیه‌ی ۲۵: "و همچنین آیا راحاب فاحشه نیز از اعمال عادل شمرده نشد وقتی که قاصدان را پذیرفته، به راهی دیگر روانه نمود؟" اینجا اعلان صریحی رو در کتاب مقدس داریم که انسان بوسیله‌ی اعمال عادل شمرده میشه، نه فقط بوسیله‌ی ایمان. شما فکر می‌کنید این آیه، مقوله‌ای رو که لوتر گفت از بین می‌بره، مقوله‌ای که کلیسا روی اون می‌ایسته یا سقوط می‌کنه.

پس چطور تعلیم پولس در رومیان رو با تعلیم یعقوب در اینجا تطبیق بدیم؟ بعضی فکر می‌کنند این غیرممکنه، اینها تطبیق ناپذیرند. یک مباحثه تاریخی در این مورد هست که کدوم رساله، اول نوشته شد، یعقوب یا رومیان. این سؤال بر تلاش برای درک این مطلب که چطور این تفاوت می‌تونه در کلیسای اولیه ظهور کنه، تمرکز می‌کنه. بعضی استدلال می‌کنند که رومیان قبل از یعقوب بود، و یعقوب، رساله‌اش رو نوشت که تعلیم پولس رو باطل و رد کنه. بعضی دیگه استدلال می‌کنند که "نه، یعقوب قبل از پولس بود و پولس سعی می‌کرد یعقوب رو رد کنه."

پس از لحاظ تاریخی، یک جدایی در مورد این سؤال هست که چه کسی سعی می‌کرد چه کسی رو رد کنه. اما راستدینی کلاسیک می‌گه هیچ کدوم از اینها سعی نمی‌کردند دیگری رو رد کنند و این دو نظر، متناقض نیستند، اگرچه ظاهراً متناقض به نظر می‌رسند. یعنی این مسأله اونقدر مهمه که ارزش فلسفه یک نگاه اجمالی دوباره رو داره.

بخشی از این مشکل، به خاطر این واقعیت ایجاد شده که یعقوب و پولس، هر دو اینجا از کلمه‌ی یکسان عادل‌شمردگی، "دیکایوسونه" استفاده کردند. خوب بود که می‌دیدیم، از کلمات متفاوتی استفاده می‌کردند و به وضوح دیدگاه‌های متفاوتی رو در نظر داشتند. آگه می‌خوایم این دو رو با هم تطبیق بدیم، متأسفانه، اونها از یک کلمه استفاده کردند. وقتی می‌بینیم هر دوی اونها، یک شخص رو در نظر دارند که به عنوان شخص الف نشون میدن تا نکته‌ی خودشون رو اثبات کنند، این موضوع رو سخت‌تر می‌کنه.

پولس تلاش می‌کنه نشون بده که ابراهیم پدر ایماندارانه و بوسیله‌ی ایمان عادل‌شمرده شد و قبل از اینکه کاری بکنه، عادل‌شمرده شد، قبل از اینکه ختنه بشه، قبل از اینکه اسحاق رو روی مذبح قربانی کنه. پس پولس در باب ۱۵ پیدایش، ابراهیم رو داره که عادل‌شمرده شد، درحالیکه یعقوب تا باب ۲۲، ابراهیم رو که عادل‌شمرده شد، مطرح نمی‌کنه، بابی که قربانی پسر او، اسحاق رو روی مذبح گزارش میده.

پس به نوعی، طرح داستان پیچیده‌تر میشه، و این یکی از چی‌هایی هست که باعث شد لوتر رسمیت یعقوب رو زیر سؤال ببره، وقتی در ابتدا گفت یعقوب "یک رساله‌ی پوشالیه" یا "یک رساله‌ی درست پوشالیه"، ترجمه‌ی دیگه‌ی اونه، اما بعداً از این قضاوت توبه کرد. اما چون در مقطعی رسمیت یعقوب رو به چالش کشید، بسیاری از محققان از این چالش به عنوان تلاش برای نشون دادن اینکه لوتر به مصون از خطا بودن کتاب‌مقدس باور نداشت، استفاده کردند. اما او به مصون از خطا بودن باور داشت، او گفت: "کتاب‌مقدس هرگز خطا نمی‌کنه"، اما این رو زیر سؤال می‌برد که آیا کتاب‌مقدس شامل کتاب یعقوب میشه یا نه، اما این برای یک روز دیگه هست.

اما به هر حال می‌تونیم ببینیم که در کتاب‌مقدس، اگرچه یعقوب و پولس از کلمه‌ی یکسانی برای عادل‌شمردگی استفاده کردند، "دیکایوسونه"، اما این اصطلاح بیشتر از یک معنی داره. یک آیه که مطمئنم باهانش آشنا هستید، زمانیه که عیسی در اناجیل میگه "حکمت از فرزندان خود تصدیق کرده شده است"، حالا معلومه که در این اعلان خاص، کلمه‌ای که اینجا به کار رفته، به این معنا نیست که حکمت با خدای قدوس در یک عدالت انتسابی مصالحه داده شده و حکمت با آوردن بچه‌ها به دست میاد.

نه، بلکه فقط نشون میده که اونچه که ادعا میشه حکمته، بوسیله‌ی ثمره‌اش، نشون داده میشه که حکمت حقیقی هست، که این اصل حکمته و در تمامی نوشته‌های حکمت در کتاب‌مقدس دیده میشه. در واقع، بسیاری از محققان عهدجدید درباره‌ی کتاب‌هایی که نوشته‌های حکمت در کتاب‌مقدس محسوب میشن، میگن، نه تنها کتاب‌های عهدعتیق، مزامیر، امثال، جامعه، ایوب و غیره رو داریم، بلکه در این فهرست کتب حکمت، کتاب یعقوب در عهدجدید رو هم در نظر می‌گیرند؛ چون بسیاری از قالب‌های ادبی که در بین کتب حکمت عهدعتیق می‌بینید، در یعقوب هم هستند.

حالا، شیوه‌ای که عیسی میگه حکمت از فرزندان خود تصدیق کرده شده، مفهوم اصطلاح "عادل‌شمرده شده" برای نشون دادن یا ظاهر کردن حقیقت یک چیز به کار رفته. آگه بهتون می‌گفتم که می‌تونم یک مایل رو در

کمتر از چهار دقیقه بدوم، انتظار ندارم این رو باور کنید. شما می‌خواید این رو با یک زمان سنج در دستتون ببینید تا باورش کنید. در واقع، تنها راهی که می‌تونم این حرفم رو به شما ثابت کنم، اینه که با دوییدن در کمتر از چهار دقیقه، این رو نشون بدم. پس اگه بهتون بگم که می‌تونم یک مایل رو در کمتر از چهار دقیقه بدوم، و بخوام بیام و حقه بزوم، شما حکیم هستید و ادعای من رو باور نمی‌کنید. در واقع، اگه بهتون می‌گفتم "می‌تونم یک مایل بدوم، نقطه"، فکر نمی‌کنم می‌تونستم این ادعا رو هم توجیه کنم.

پس از یک جنبه کلمه‌ی "عادل شدن"، به کار رفته تا حقیقت یک ادعا رو اثبات کنه. وقتی در دانشگاه، فلسفه درس می‌دادم، وقتی تاریخ فلسفه درس می‌دادم، به سراغ فیلسوفان مختلفی می‌رفتیم که تفکرشون رو مطالعه می‌کردیم، مثل این بود که دانشجوها باید ذهن خاصی داشته باشند تا عملکرد خوبی در فلسفه داشته باشند. این خیلی انتزاعی بود و دانشجوها کشمکش داشتند، دانشجوهای برجسته و عالی، دانشجوهاییی که در درس‌های دیگه نمره‌ی عالی می‌گرفتند، با فلسفه مشکل داشتند.

من سعی کردم راهنمایی کوچکی بکنم تا کمکشون کنم که عمل فیلسوف مورد نظر رو درک کنند و می‌گفتم: "کاری که باید در ابتدا انجام بدید، اینه که این سؤال رو پرسید، جواب این سؤال رو پیدا کنید، این فیلسوف سعی می‌کنه چه مشکلی رو برطرف کنه و چرا؟" اگه بدونید چرا دکارت سعی می‌کرد یک ایده‌ی واضح و متمایز پیدا کنه، می‌تونید استدلالش رو دنبال کنید و به نتیجه‌ی قابل درکی برسید."

من می‌خوام این اصل رو برای سؤال پر دردسری به کار ببرم که درباره‌ی رابطه‌ی بین پولس و یعقوب داریم. برای درک یعقوب در باب ۲، باید این سؤال رو پرسیم: "او سعی می‌کنه چه مشکلی رو برطرف کنه؟ سعی می‌کنه به چه سؤالی جواب بده؟" و به نظرم، اینجا، جواب سؤالم در آیه‌ی ۱۴ از باب ۲ شروع میشه که یعقوب این رو می‌نویسه: "ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید: «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟" پس سؤالی که می‌پرسه، اینه که "اگه اعمالی ندارید، چه فایده‌ای داره که اعتراف ایمان داشته باشید؟ این چه فایده‌ای داره؟" پس او به سؤال افرادی می‌پردازه که اعتراف ایمان دارند، اما هیچ میوه‌ی از اون رو نشون نمیدن. در زمان و عصر ما، صدها هزار نفر، اگر نگیمن میلیون‌ها نفر، از افرادی رو در آمریکا داریم که اعتراف ایمان داشتند، اما هرگز واقعیت ایمانی رو که ادعا می‌کردند، نشون ندادند. یعقوب به این سؤال جواب میده. این سؤالی نیست که پولس می‌پرسه. پولس می‌پرسه: "چطور یک شخص ناعادل می‌تونه در حضور خدای عادل و قدوس بایسته؟" توجه او به عادل‌شمردگی در نزد خداست، و اینجاست که میگه ما بوسیله‌ی ایمان، جدا از اعمال شریعت، عادل شمرده میشیم.

اما حالا یعقوب می‌پرسه: "کسی که اعتراف ایمان داره، اما هیچ نشونه‌ای از اون را نداره، چی میشه؟" او میگه: "اگر کسی گوید: «ایمان دارم» وقتی که عمل ندارد، آیا ایمان می‌تواند او را نجات بخشد؟ پس اگر برادری یا خواهری برهنه و محتاج خوراک روزینه باشد، و کسی از شما بدیشان گوید: «به سلامتی بروید و گرم و سیر شوید»، لیکن

مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟ همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد، در خود مرده است." پس حالا، او بین ایمان مُرده و ایمان زنده، تمایز قائل میشه.

وقتی لوتر به خاطر آموزه‌ی عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمان به چالش کشیده شد و درباره‌ی این ایمان از او سؤال شد، همونطور که قبلاً گفتم، آیا به این معناست که فقط می‌تونید ایمان داشته باشید و هر طور که می‌خواید زندگی کنید؟ خُب، پولس به این سؤال جواب میده و جوابش اینه: "حاشا" و لوتر گفت: "عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه، اما نه بوسیله‌ی ایمانی که تنهاست." پس در ادامه گفت ایمانی که باعث عادل‌شمردگی میشه، لوتر گفت، "فیدس ویوا"، یک ایمان زنده هست، ایمانی که زنده هست و وقتی در میوه‌ی اطاعت ظاهر میشه، می‌دونید که زنده هست.

حالا اگه اینجا در این اتاق، امروز بهتون بگم ایمان نجات بخش دارم، آیا مطمئن هستید که فقط به خاطر این حرفم، این ایمان رو دارم؟ کسی اینجا می‌تونه از قلبم آگاه بشه؟ البته که نه. تنها راهی که می‌تونید حقیقت ادعای من رو ارزیابی کنید، اینه که ببینید آیا این رو در زندگی‌م ظاهر می‌کنم. به ما گفته شده که "ایشان را از میوه‌های ایشان خواهید شناخت" و حتی در این صورت هم می‌تونیم مردم رو با میوه‌ی گندیده که میوه‌ی جعلی هست، فریب بدیم.

خدا چقدر باید صبر کنه تا بدون اعتراف ایمانم، واقعیه؟ آیا او می‌تونه از قلبم آگاه بشه؟ بله، او مجبور نیست یک یا دو هفته یا شش ماه یا پنج فصل صبر کنه تا ببینه ایمانی که اعتراف کردم، واقعیه. پس به نظرم خیلی مهمه که اینجا به این مشکلی پاسخ بدیم که می‌بینیم هرچند یعقوب و پولس برای اثبات ادعاشون به ابراهیم متوسل شدند، اونها به زمان‌های مختلف زندگی ابراهیم متوسل شدند.

پولس برای بیان نکته‌اش میگه، ما بوسیله‌ی ایمان، بدون اعمال شریعت عادل شمرده شدیم، با اشاره به باب ۱۵ که ابراهیم به خدا ایمان داشت و برای او عدالت محسوب شد. یعقوب برای دفاع از ادعاش میگه ابراهیم بوسیله‌ی اعمال عادل شمرده شد، با اشاره به باب ۲۲، در واقع، بین باب ۱۵ و باب ۲۲، هفت باب فاصله هست، یعنی بخشی که درباره‌ی قربانی اسحاق روی مذبح به ما میگه.

پس یعقوب در ادامه میگه، ابراهیم بوسیله‌ی اعمالش عادل شمرده شد. آیا او درباره‌ی این صحبت می‌کنه که ابراهیم از نظر خدا عادل شمرده شد؟ یا میگه ابراهیم از نظر انسان‌ها عادل شمرده شد، انسان‌هایی که در مقابل اونها این اعتراف رو می‌کنیم. دوباره، سؤالیه که جواب میده، اینه که "اگه یک نفر میگه ایمان داره، اما اعمال نداره، آیا این ایمان می‌تونه نجاتش بده؟" جوابی که اینجا میده، یک "نه" چشمگیره! تنها نوع ایمانی که نجات میده، نه ایمان مُرده، بلکه ایمان زنده هست، و اگه این ایمان زنده هست، قطعاً با اعمال ظاهر میشه. پس ابراهیم، ادعای ایمانش رو در باب ۲۲ اثبات می‌کنه، نشون میده و سندیت می‌بخشه.

همونطور که ادعا می‌کنیم که ایمان داریم، باید این ایمان رو با اعمالمون نشون بدیم. من قبلاً درباره‌ی شریعت ستیزی صحبت کردم که ادعا می‌کنه ایمانی داره که بدون اعمال حاصل از اون نجات می‌ده، یعنی کل مفهوم مسیحی نفسانی که حتی تا امروز باهاش دست و پنجه نرم می‌کنیم. امیدوارم این توضیح مختصر بهتون کمک کنه که اینجا روی این مشکل کار کنید و درک کنید که این مردان با استفاده از یک کلمه‌ی یکسان و نمونه‌ی یکسان، به دو سؤال متفاوت جواب میدن، و نشون میدن که یعقوب درباره‌ی این صحبت می‌کنه که ابراهیم به وسیله‌ی اعتراف ایمانش که با اعمال همراهه، تصدیق شد.

و اگه این کتاب به این شکل درک بشه، شما تناقضی ندارید. شما مشکل در راه حل دارید، اما واقعاً تناقض ندارید. حالا در دقایق کمی که مونده، می‌خوام به یک سؤال دیگه اشاره کنم و اون هم اینه که "چه چیزی در مسیح، ایمان نجات بخش فراهم می‌کنه؟ این ایمان از کجا میاد؟" احتمالاً این سؤال، بیش از هر سؤالی، ماهیت الهیات اصلاح‌یافته رو تعیین می‌کنه.

اگه یک عبارت، ماهیت الهیات اصلاح‌یافته رو نشون می‌ده، این عبارت کوچکی هست که "تولد تازه قبل از ایمان میاد"، این قدرت ایمانه، قدرت ایمان داشتن، که نتیجه هست، نه عمل اراده‌ی مستقل ما بلکه میوه‌ی عمل حاکمانه‌ی خداست که گرایش قلبمون رو عوض می‌کنه و میوه‌ی ایمان رو به ما می‌ده.

این ایمان ماست، ما کسانی هستیم که ایمان داریم، اما این ایمان رو ایجاد نمی‌کنیم. ایمان از عمل مستقیم و مافوق طبیعی خدای روح‌القدس حاصل میشه که ما رو از مرگ روحانی احیا می‌کنه و عطیه‌ی ایمان رو در دلمون به ما می‌ده. وقتی درباره‌ی ترتیب نجات صحبت می‌کنیم، درباره‌ی "اوردو سالوتس" صحبت می‌کنیم، درباره‌ی ترتیب زمانی مسائل صحبت نمی‌کنیم، بلکه درباره‌ی ترتیب منطقی مسائل صحبت می‌کنیم. فرق بین اولویت زمانی و اولویت منطقی در اینه، وقتی می‌گیم عادل‌شمردگی فقط بوسیله‌ی ایمانه، منظورمون این نیست که یک نفر ایمان داره و بعد پنج سال بعد، عادل شمرده میشه.

نه، در لحظه‌ای که ایمان دارید، توسط خدا عادل شمرده میشید و با ردای عدالت مسیح پوشانیده میشید و از همه‌ی مزایای عادل‌شمردگی برخوردار میشید. هیچ فاصله‌ی زمانی در اینجا نیست، اما با این حال، ما می‌گیم عادل‌شمردگی بوسیله‌ی ایمان، یعنی ایمان به طور منطقی قبل از عادل‌شمردگی میاد یا اینکه می‌گیم، "ایمان فقط بوسیله‌ی عادل‌شمردگی هست."

ما می‌دونیم عادل‌شمردگی مقدم بر ایمان نیست، بلکه ایمان مقدم بر عادل‌شمردگیه، از لحاظ ترتیب منطقی اون. اکثر مسیحیان بشارتی، اگه ازشون این سؤال رو بپرسید: "کدوم یکی اول میاد، ایمان یا تولد دوباره؟" اونها میگن: "ایمان اول میاد و در نتیجه‌ی ایمان به مسیح، تولد تازه می‌گیرید." در حالیکه الهیدانان اصلاح‌یافته میگن: "نه."

به باب ۳ یوحنا برگردید که عیسی با نیکودیموس صحبت می‌کنه و عیسی می‌گه: "اگر کسی از سر نو مولود نشود، ملکوت خدا را نمی‌تواند دید." چه برسه به اینکه واردش بشه.

وقتی پولس در افسسیان ۲ درباره‌ی احیا شدن یا زنده شدن صحبت می‌کنه، ما چه زمانی در ایمان زنده میشیم و در اون زمان در چه شرایطی هستیم؟ ما هنوز به لحاظ روحانی مُردیم، پس می‌گیریم روح‌القدس خدا، گرایش یا تمایل قلبمون رو عوض می‌کنه، پس چیزی که شخص قبلاً حاضر نبود بهش ایمان بیاره، حالا بهش ایمان میاره و می‌پذیره و دوست داره.

یکی از عالیترین موعظاتی که جاناتان ادواردز موعظه کرد، "نور الهی و مافوق طبیعی" بود، که درباره‌ی این عمل روح‌القدس صحبت می‌کنه که قلب و گرایش ما رو عوض می‌کنه، پس ما نه تنها حقیقت یک گرایش رو می‌بینیم، بلکه شیرینی اون رو می‌بینیم، دوست داشتنی بودن اون رو، و زیبایی و جلال اون رو می‌بینیم.

پس ایمانی که عادل می‌کنه، ایمانی هست که در دلمون ایجاد شده، به عنوان هدیه از سوی خدای روح‌القدس. حالا چیزی رو که قبلاً تأیید و پیروی نمی‌کردیم، چیزی که در شرایط مرگ روحانی که هنوز در جسم بودیم، برامون نفرت‌انگیز بود، حالا طبیعت روح رو داریم. بقیه‌ی زندگی مسیحی، جنگ بین جسم، یعنی انسانیت کهنه و روح، یعنی انسانیت تازه هست که ایمان رو متولد می‌کنه، پس ما در ایمان و عادل‌شمردگی، تولد تازه یافتیم.

وقتی پولس فهرست مختصری از ترتیب نجات رو در رومیان ۸ مطرح می‌کنه، درباره‌ی کسانی صحبت می‌کنه که خدا از قبل شناخت، و کسانی که از پیش معین فرمود، و ایشان را خواند، و آنانی را که خواند، ایشان را نیز عادل گردانید، و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد. در این ترتیب، معلومه که همه‌ی کسانی که در دسته‌ی از پیش شناخته شدگان هستند، در دسته‌ی از پیش تعیین شدگان هم هستند.

همه‌ی کسانی که در دسته‌ی از پیش تعیین شدگان هستند، در دسته‌ی عادل‌شمرده شدگان هستند، و ببخشید، همه‌ی کسانی که در دسته‌ی خوانده شدگان هستند، در دسته‌ی عادل‌شمرده شدگان هستند. معلومه که اینجا پولس درباره‌ی خواندگی‌ای صحبت می‌کنه که خواندگیه بیرونی نیست. وقتی انجیل رو به مردم موعظه می‌کنیم، درباره‌ی "خواندگی بیرونی" صحبت می‌کنیم، بعضی جواب "بله" میدن، بعضی جواب "نه" میدن. اما در رومیان ۸، پولس درباره‌ی خواندگی‌ای صحبت می‌کنه که همه‌ی کسانی که به طور خاص خوانده شدند، عادل‌شمرده شدند و اینجا، این خوانده شدن، در این ترتیب، پیش از عادل‌شمردگی میاد. پس خوانده شدن، چیزی هست که در رابطه با تولد تازه در موردش صحبت می‌کنیم، خواندگی مؤثر درونی خدا که بوسیله‌ی اون وارد ایمانی میشیم که ایمان زنده هست و از طریق اون و بوسیله‌ی اون، عادل‌شمرده میشیم.